

صحيفة الحسن عليه السلام

[376] نور خدا تافت از آن روی ماه * خاصه از آن چشم درشت سیاه * سرخی گل عکس گل
روی توست * ظلمت شب سایهء گیسوی توست * روز که خورشید درخشان صبح * سرزند از چاک
گریبان صبح * سرخی آن نور و پگاه سپید * روی افق نقش تو آید پدید * ای رخ تو در رمضان
بدر ما * هر سر موی تو شب قدر ما * دیده که بی نور تو شد کور به * سر که نه در پای تو،
در گور به * بعد علی شاخص عترت توئی * وارث میراث نبوت توئی * مصلحت ملت اسلام ودین *
کرد تو را گوشهء عزلت نشین * هیچ گذشتی چو گذشت تو نیست * آنکه ز شاهی بکشد دست کیست *
صبر هم از صبر تو بی تاب شد * کوزه شد وزهر شد و آب شد * بعد شهادت نکشید از تو دست *
تیر شد و بر تن پاکت نشست *
